

چکیده پایان‌نامه‌های

رشته علوم سیاسی موسسه آموزش عالی باقرالعلوم علیه السلام

عنوان: اندیشه سیاسی ابوعلی طبرسی (۴۶۹ - ۵۶۹ ه. ق)

استاد راهنما: حجة الاسلام دکتر داود فیرحی

استاد مشاور: حجة الاسلام دکتر نجف لک‌زایی

دانشجو: رضا واعظی

مقطع: کارشناسی ارشد

در این پژوهش، اندیشه سیاسی ابوعلی طبرسی را که یکی از بزرگان شیعه امامیه در قرن پنجم و ششم هجری است، بررسی کرده‌ایم و با توجه به نامالایمات عصر وی که نشان‌دهنده بحران‌های فراوانی است، براساس نظریه بحران توماس اسپریگنز، چهار مرحله نظریه وی را در اندیشه سیاسی طبرسی جست‌وجو نموده، از این رهگذر به نکات ارزشمندی در باب سیاست و حکومت و شیوه رفتار علمای امامیه در عصر غیبت و زمانی که علمای شیعه در تقیه به سر می‌برند، دست یافته‌ایم. طبرسی نکات ارزشمندی در مورد ائتلاف و وحدت بین مذاهب اسلامی دارد و به همین سبب اقدامات ارزشمند نظری و عملی فراوانی از خود به جای گذاشته است که بررسی آن در عصر کنونی، قابل توجه است. ایشان مهم‌ترین چالش و بحران زمانه را تنش‌ها و منازعات مذهبی می‌دانست که با روی کارآمدن حکومت سلجوقی شدت یافته بود. این مسئله برای شیعیان به خصوص منطقه خراسان که طبرسی در آن دیار زندگی می‌کرد، شرایط سختی را فراهم کرده بود. طبرسی ریشه اختلافات و بحران‌ها را در کج فهمی آن دوران که موجب اختلافات شدید و تفرقه بین مذاهب شده بود، دانسته و به همین منظور در رفع سوءتفاهم‌ها و ابهامات، و حرکت در مسیر ائتلاف و وحدت بین فرق اسلامی

سعی وافری داشته است. نوشتن کتاب‌های متعدد با هدف جمع بین اقوال مذاهب مختلف اسلامی و رفع ابهامات و اتهامات علیه شیعه امامیه، در این چارچوب قابل ارزیابی است که دستاوردهای مهمی نیز در پی داشته است.

عنوان: نقش اصلاحات سیاسی در تداوم نظام جمهوری اسلامی ایران

استاد راهنما: دکتر سید رحیم ابوالحسنی

استاد مشاور: حجة الاسلام دکتر سیدمحمدتقی آل سید غفور

دانشجو: محمد حاجی زاده

مقطع: کارشناسی ارشد

این پژوهش در پی اثبات این مدعاست که اصلاحات سیاسی نقش اساسی و بنیادینی در تداوم نظام جمهوری اسلامی ایران دارد. برای اثبات این مدعا، نظام سیاسی و مؤلفه‌ها، ساختار و کارویژه‌های آن مورد بررسی قرار گرفت و قدرت سیاسی مهم‌ترین معیاری تلقی شد که می‌تواند ماهیت و نوع ساختار سیاسی را آشکار کند که این نقطه مشترک تمام نظریه‌های سیاسی است. اگر نظام دارای قدرت مشروع باشد صاحب اقتدار است و دوام خواهد یافت. منابع اقتدار و مشروعیت یک نظام چیست؟

در این راستا برای فهم نظام جمهوری اسلامی ایران، تاریخ تکوین دولت را در ایران مورد بررسی قرار داده، به این نتیجه رسیدیم که با ظهور صفویان نخستین دولت مدرن مستقل ایرانی با تعامل دو عنصر ایرانییت یا نظریه شاهی ایرانی و اسلامیت یا نظریه سیاسی شیعی شکل می‌گیرد و این دو عنصر هویت واحد ایرانی را تشکیل می‌دهد، بنابراین وحدت این دو عنصر به اقتدار و مشروعیت هر نظامی در ایران منجر می‌شود و تکیه بر هر یک به تنهایی، به زوال دولت‌ها می‌انجامد، چنان‌که اصلاحات سیاسی در قالب نهضت مشروطه، با نادیده گرفتن اسلامیت و عدم درون‌زا کردن مفاهیم مشروطه و قانون‌ورده از غرب، عمرش به دو دهه نرسید و جای خود را به حکومت مطلقه پهلوی داد. پهلوی‌ها نیز با تکیه بر ناسیونالیسم ایرانی و دوری از اسلام، در ششمین دهه حکومت خویش با انقلاب اسلامی مواجه شدند و زوال یافتند. در بررسی نظام جمهوری اسلامی، ابتدا به خاطر ابهامی که درباره مفهوم اصلاحات سیاسی وجود دارد، به بررسی این مفهوم در اندیشه غربی و اسلامی آن پرداخته، بعد از بیان مفهوم اصلاحات و بررسی جایگاه جمهوری اسلامی در نظام ولایت فقیه، به این

نکته رسیدیم که چون حکومت ما سه رکن اسلامیت، ایرانیت و جمهوریت دارد، پس باید مبنای مشروعیتش بر مشروعیت دینی و قانونی استوار باشد و تقلیل جمهوری اسلامی به حکومت اسلامی و یا حکومت دموکراتیک، بحران مشروعیت را در پی خواهد داشت. لذا، باید با توجه به تعامل این ارکان در تداوم نظام جمهوری اسلامی، تکیه صرف بر مشروعیت اولیه نشود و همواره فرایند مشروعیت‌یابی جریان داشته باشد تا نظام تداوم یابد. راه مشروعیت‌یابی هم اصلاحات سیاسی در نظام است و اصلاحات سیاسی باید فرآیند مشروعیت‌یابی را از طریق گسترش مشارکت سیاسی دنبال کند.

عنوان: رابطه مشروعیت و مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران (دهه دوم)

استاد راهنما: دکتر سیدرحیم ابوالحسنی

استادان مشاور: حجة الاسلام دکتر نجف لک‌زایی و دکتر نعمت الله کرم‌اللهی

دانشجو: کمال اکبری

مقطع: کارشناسی ارشد

مشروعیت و مشارکت سیاسی از موضوعات مهمی‌اند که امروزه همه نظام‌ها به دنبال کسب آن برای تقویت پایه‌های اقتدار و امکان تداوم حکومت خود می‌باشند، بر این اساس حکومت‌های سیاسی در صددند بین مشارکت و مشروعیت سیاسی رابطه‌ای مناسب و منطقی برقرار کرده، در جهت تقویت این دو گام بردارند. در این پژوهش، به دنبال بررسی چگونگی مشروعیت و مشارکت سیاسی افراد جامعه در جمهوری اسلامی ایران بین سال‌های ۷۵ تا ۸۱ هستیم. سوال اساسی این است که مشروعیت سیاسی به چه میزان بر مقدار و نحوه مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران تاثیر گذاشته است؟

برای جواب به این سوال علاوه بر طرح مباحث تئوریک، از روش پرسشنامه یا پیمایشی استفاده شده است که در این پیمایش، با توزیع پرسشنامه بین طلاب و دانشجویان قم و تحلیل محتوای نگرش‌سنجی در خصوص مشروعیت سیاسی و مشارکت‌سنجی از پاسخ‌گویان، به این نتیجه رسیدیم که بین مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی رابطه‌ای مستقیم وجود دارد و میزان افزایش یا کاهش مشارکت سیاسی به میزان مشروعیت سیاسی بستگی دارد. براساس نظر سنجی انجام گرفته افرادی که برای نظام، مشروعیت بسیاری قائل‌اند، ۶۴ درصد مشارکت زیاد، و ۳۶ درصد مشارکت متوسط داشته‌اند و از طرف دیگر، کسانی که مشروعیت سیاسی را ضعیف می‌دانند، شش درصد

مشارکت سیاسی زیاد، ۷۶/۵ درصد مشارکت متوسط و ۱۷/۵ درصد مشارکت کم داشته‌اند که این بررسی‌ها نشان می‌دهد افرادی که مشروعیت سیاسی را زیاد می‌دانند، به مشارکت سیاسی زیادی نیز مبادرت ورزیده‌اند. در جمهوری اسلامی ایران (دهه دوم) به ویژه پس از سال ۷۵ مشارکت سیاسی در قالب شرکت در انتخابات و دیگر فعالیت‌های مشارکت‌جویانه افزایش یافته که این امر دلیلی بر وجود مشروعیت سیاسی در نظام است. بنابراین، مشارکت زیاد تنها در سایه وجود مشروعیت امکان‌پذیر می‌باشد.

عنوان: مقایسه نظریه حکومت دینی در آرای شهید مطهری و شمس الدین

استاد راهنما: حجة الاسلام دکتر داود فیرحی

استاد مشاور: حجة الاسلام دکتر نجف لکزایی

دانشجو: ابوالفضل آژند

مقطع: کارشناسی ارشد

در پژوهش حاضر، سؤالی که مطرح می‌شود این است که وجوه تشابه و تمایز در اندیشه‌های شمس‌الدین و شهید مطهری درباره عناصر نظری و عینی حکومت دینی کدام‌اند و اصولاً تمایز این دو نظریه ناشی از چیست؟ در پاسخ به این سؤال، ابتدا به دنبال تشابهات این دو نظریه می‌رویم تا تمایزات آنها نیز مشخص گردد. در این پژوهش، در مورد اصل حکومت و شکل و ساختار آن در نظر این دو متفکر بحث و بررسی کرده‌ایم. در مورد اصل حکومت، شهید مطهری و شمس‌الدین هر دو از طرفداران وجود حکومت در جامعه دینی هستند و معتقدند که یکی از نیازهای جامعه، داشتن حکومت برای نظم و سامان دادن به آن است. اما درباره شکل حکومت در جامعه دینی، به ویژه در زمان غیبت معصوم علیه السلام آنچه از نظریه شمس‌الدین به دست می‌آید انتخاب حاکم و تعیین قلمرو وی از سوی مردم است، حال آن که شهید مطهری بر این است که رهبری جامعه از آن ولایت فقیه می‌باشد که منصوب از طرف خداست و تنها بر جامعه دینی نظارت می‌کند و در امور اجرایی دخالتی ندارد، بلکه در امور اجرایی این مردم‌اند که حاکم را انتخاب کنند. به این ترتیب، هم شهید مطهری و هم شمس‌الدین مردم را ملاک مشروعیت حاکمیت در زمان غیبت می‌دانند، اما در حوزه شرعی شهید مطهری اختیارات ولی فقیه را غیر از مسایل شرعی و فتوا در حوزه مسایل سیاسی نیز می‌پذیرد در حالی که شمس‌الدین اختیار بر صدور فتوا را برای ولی فقیه از ادله استنباط می‌کند.

عنوان: اندیشه و مواضع فقهی - سیاسی آیه الله العظمی گلپایگانی رحمته الله علیه

استاد راهنما: حجة الاسلام دکتر داود فیرحی

استاد مشاور: حجة الاسلام دکتر منصور میراحمدی

دانشجو: محمد مهدی امامی

مقطع: کارشناسی ارشد

تحقیق حاضر، اندیشه‌ها و مواضع فقهی - سیاسی آیه الله العظمی گلپایگانی رحمته الله علیه را در مورد شکل حکومت در عصر غیبت تبیین می‌کند. نگارنده در ابتدا ضمن بیان و توضیح مفاهیم فقه و سیاست، و تعریف فقه سیاسی به مجموعه قواعد و اصول فقهی برخاسته از مبانی اسلام، به بررسی زندگی، آثار، مواضع سیاسی - اجتماعی، مرجعیت، ولایت فقیه و ولایت انتصابی عامه فقیهان در اندیشه‌های فقهی - سیاسی آیه الله گلپایگانی رحمته الله علیه می‌پردازد. بیان مطالب و یافته‌های مذکور در روشن شدن بخشی از تاریخ اندیشه‌های فقهی - سیاسی اسلام و ایران مؤثر است. سؤال و فرضیه اصلی این تحقیق، به بیان و اثبات اندیشه‌های فقهی - سیاسی آیه الله گلپایگانی رحمته الله علیه در ترسیم نظام سیاسی مبتنی بر ولایت انتصابی مقید به احکام شرعی، روایات و مصلحت اجتماعی - سیاسی جامعه در عصر غیبت می‌پردازد؛ به این معنا که ایشان معتقدند: ولایت مطلقه فقیه همان ولایت انتصابی عامه فقیهان، و مبتنی بر مشروعیت الهی - مردمی می‌باشد.

عنوان: رابطه سیاست و اجتهاد در اندیشه امام محمد غزالی و امام خمینی رحمته الله علیه

استاد راهنما: حجة الاسلام دکتر سید محمد تقی آل غفور

استاد مشاور: حجة الاسلام دکتر داود فیرحی

دانشجو: سیدملک حسین یوسفی فخر

مقطع: کارشناسی ارشد

تحقیق حاضر می‌کوشد رابطه سیاست و اجتهاد را در اندیشه امام محمد غزالی و امام خمینی رحمته الله علیه

مورد بررسی قرار دهد. سیاست و اجتهاد، هر دو، مربوط به حوزه عمل هستند و حوزه عمل مربوط به

امور جزئی و متغیر می‌باشد. بنابراین، سیاست و اجتهاد دو مفهوم متغیر و بالذات ناپایدارند و پیوند این دو بر اساس این ناپایداری تبیین می‌شود. بازتولید پیوند دو امر ناپایدار لزوماً موقتی است و موقتی بودن امور و حوادث تحت تأثیر زمان و مکان نقش آفرینی می‌کند. البته گستره رابطه اجتهاد و سیاست تنها در حوزه جزئیات عمل سیاسی نیست، بلکه با کلیات احکام سیاسی نیز سروکار دارد و بر همین اساس است که تقسیم حکمت عملی به دو حوزه کلی و جزئی مورد قبول حکما و فقیهان اسلامی قرار می‌گیرد. فصل اول، به مفاهیم و کلیات اختصاص یافته است. فصل دوم، به تأثیر مبانی معرفت شناختی امام محمد غزالی و امام خمینی می‌پردازد و مباحثی چون تعامل دین و سیاست را که از مباحث مشترک در اندیشه آنهاست، مورد بررسی قرار می‌دهد. در این فصل، در رابطه با تعامل دین و سیاست، دو نظریه مبانی استقلال عقل و شرع در سیاست و مبانی شرعی سیاست / دولت تبیین می‌شود. در فصل سوم، تأثیر مبانی روش شناختی این دو اندیشمند بر سیاست و اجتهاد مورد بحث قرار می‌گیرد و با تأکید بر روش‌شناسی اصول فقه و زبان‌شناسی عربی، به اصول مشترکی در اندیشه سیاسی آنها مانند مصلحت عمومی و نقش زمان و مکان اشاره می‌شود. فصل پایانی این تحقیق، به تعامل سیاست و اجتهاد می‌پردازد. در این فصل، مباحثی چون ماهیت فقه سیاسی، ماهیت عمل سیاسی و ماهیت فقهی سیاست بررسی می‌شود.

عنوان: امام خمینی و جنبش‌های اسلامی جهان اسلام

استاد راهنما: عبدالوهاب فراتی

استاد مشاور: حجة الاسلام دکتر منصور میراحمدی

دانشجو: غلامرضا سپاه امیری

مقطع: کارشناسی

بی‌شک، اسلام عامل مؤثری در شکل‌گیری جنبش‌هایی است که هر یک اهدافی را برای رهایی از وضعیت موجود دنبال می‌کنند. در نیم قرن اخیر شاهد تحول و دگرگونی ژرفی میان جنبش‌های اسلامی جهان اسلام هستیم که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جانی تازه گرفته و هویت گم شده و متزلزل گذشته را تجدید کرده و با الگوپذیری از این نهضت اسلامی در جبران ناکامی‌های گذشته تلاش می‌نمایند. براین اساس، پرسش اصلی رساله حاضر این است که: امام خمینی (ره) چه دیدگاهی را درباره جنبش‌های اسلامی جهان اسلام دارند؟

در پاسخ به این سؤال، ما با جنبش‌های متنوعی در جهان اسلام مواجه می‌شویم که جنبش‌های اسلامی فلسطین، افغانستان و مصر به نوعی مهم‌تر از بقیه می‌باشند. در دیدگاه حضرت امام خمینی(ره) جنبش‌های اسلامی فلسطین و مواجهه وی با تشکیل این جنبش‌ها و خط مسیر مبارزات و فعالیت‌های آن‌ها، مبارزه با تشکیلات دولت اسرائیل غاصب، - چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن - مسیر نگرش ایشان نسبت به این جنبش‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. جنبش‌های بعدی که برای جهان اسلام بسیار اهمیت دارد، جنبش‌های اسلامی افغانستان می‌باشد. این جنبش‌ها با تصرف و اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی سابق، در سال ۱۹۷۹ وارد مرحله جدیدی شده، دست به مبارزات مسلحانه زد و بیشتر در کشورهای همسایه به خصوص ایران تشکیل شده، به فعالیت‌های خود به منظور اخراج اشغالگران و سرنگونی دولت کمونیستی دست نشانده پرداخت. مواضع و دیدگاه‌های امام در قبال جنبش‌های اسلامی افغانستان شایان توجه است: یاری رسانی و حمایت مالی آنها قبل از انقلاب، کمک‌های مالی و مکانی برای استقرار آنها در ایران از سوی حضرت امام، پیام‌ها و سخنرانی‌های وی و به طور کلی حساسیت‌هایی که ایشان نسبت به این کشور اسلامی داشته و همواره در تلاش بود که یک نظام اسلامی در آن کشور استقرار یابد که این جز با همدلی و انسجام مرد و زن کشور و جهاد علیه ایدئولوژی کمونیستی تحقق نیافت. سرانجام، پس از ده سال ارتش سرخ بدون کسب موفقیت در استقرار حکومت کمونیستی در افغانستان، از این کشور خارج شد تا این امر که هیچ ایدئولوژی و مکتبی نمی‌تواند جایگزین اسلام ناب محمدی در کشورهای اسلامی باشد، ثابت شود. فصل آخر به جنبش‌های اسلامی مصر می‌پردازد و مواضع و آرای امام در مورد جنبش‌های اسلامی مصر و به طور کلی مسلمانان آن کشور در برقراری یک حکومت اسلامی بر مبنای قرآن و شریعت الهی. و نیز مواجهه وی با «انور سادات» رئیس جمهور این کشور که بزرگ‌ترین خیانت به اسلام و مسلمین، یعنی سازش با اسرائیل را مرتکب شد، مورد بررسی قرار می‌دهد. تجربیات عینی و استراتژی مبارزاتی حضرت امام(ره) به عنوان بزرگ‌ترین دستاورد موفق در تاریخ نهضت‌های دینی و جنبش‌های اسلامی، شایان توجه است. ایشان قدرت جنبش‌های اسلامی را از متن دین می‌داند و برای این جنبش‌ها به دو مؤلفه اساسی رهبری نوین سیاسی و تشکل نهادهای خاص که به حرکت‌های اسلامی پیروز منجر خواهد شد، قائل است. وی از تعالیم اسلامی جهاد، شهادت و ایثار در راه نجات امت اسلامی بهره می‌گیرد و هدف نهایی برای جنبش‌های اسلامی را تشکیل امت واحد اسلامی می‌داند.

عنوان: بررسی تطبیقی آرا و افکار سیاسی سید قطب و علی شریعتی

استاد راهنما: دکتر سیداحمد موثقی

استاد مشاور: دکتر سید صادق حقیقت

دانشجو: محسن برزگر

مقطع: کارشناسی

پژوهش حاضر دربارهٔ دو جریان فکری اصلاح‌طلبان دینی در واکنش به دو مسئله محوری انحطاط داخلی و سلطه خارجی بحث می‌کند. سید قطب و علی شریعتی از برجسته‌ترین متفکران تجدید حیات اسلام در جهان معاصر به شمار می‌آیند. سید قطب و علی شریعتی در چه جریانی از بیداری اسلامی معاصر قرار می‌گیرند؟ به عبارت دیگر، آیا هر دو در جرگه بنیادگرایی اسلامی هستند یا این‌که حداقل شریعتی در نوگرایی دینی (رادیکالیسم اسلامی) قرار دارد. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده می‌توان گفت که سید قطب با تکیه بر فقه سیاسی سنی و دریافتی جهان‌بینانه از دین، به منظور دگرگونی و تغییر وضعیت موجود و برای مقابله با تمدن غرب، در ابعاد اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به اندیشه‌ای «شریعت‌نامه‌ای» پرداخت. به عبارت دیگر، وی با تأکید بر اندیشه اسلاف سنی خود مانند غزالی، ابن تیمیه و ابن قیم، چنان‌که به صراحت در «عدالت اجتماعی در اسلام» و «المعالم فی الطریق» گفته است، اجرای قوانین و احکام شریعت را هدف حکومت می‌دانست. آن چه منطق درونی اندیشه سیاسی وی را انسجام می‌بخشد، درکی فقهی و شرعی از اسلام به طور اعم، و سیاست به طور اخص است، حال آن‌که شریعتی با رهیافتی جامعه‌شناختی از دین، دگرگونی و تغییر وضعیت موجود را به منظور مقابله با انحطاط و استبداد داخلی و استعمار خارجی، احیای اسلام و اصلاح فکر دینی، تحقق شعار بازگشت به اسلام، ایجاد یک انقلاب فرهنگی و در نهایت تدوین ایدئولوژی صحیح، علمی و اسلامی - که باید با استخراج از منابع فرهنگی و پالایش معارف هزار و چهارصدساله اسلامی به وسیله صاحب‌نظران به دست آید - دنبال می‌کرد. از نظر شریعتی، با بینش و تجربه جهان امروز و ایدئولوژی‌های حاضر می‌توان از عناصری که در متن فرهنگ و مذهب سنتی مسلمین وجود دارد، عناصر ایدئولوژی آگاهانه را استخراج کرد.

عنوان: اصول و مبانی دیپلماسی اسلام از دیدگاه متفکرین مسلمان معاصر

استاد راهنما: دکتر سید عبدالقیوم سجادی

استاد مشاور: دکتر محمد ستوده

دانشجو: عبدالله افرازه شهاوند

مقطع: کارشناسی

اسلام برای تدوین و اجرای روابط خارجی خود در عرصه بین‌الملل و ارتباط با دیگر دُول جهان، چه قالب‌ها و اصولی را ارائه داده است؟ در پاسخ به این سؤال، در این تحقیق ابتدا ماهیت سیاست خارجی اسلام مورد بررسی قرار گرفته که در آن، بر اصل صلح محور بودن روابط خارجی در اسلام تأکید شده و جنگ به عنوان ابزاری لازم و ثانوی در مواقع ضروری و اجتناب ناپذیر تجویز گردیده است. در فصل آخر، اصول و مبانی نظری دیپلماسی دولت اسلامی به تفصیل بیان شده که در این قسمت، نگارنده از دیدگاه متفکران مسلمان معاصر به تشریح این مبانی و قواعد پرداخته و اصولی از قبیل اصل دعوت، نفی سبیل، عزت و سیادت دینی و اصل وفای به عهد را بررسی کرده است. اصل نفی سبیل برای جلوگیری از تسلط و استیلا کفار و بیگانگان بر مسلمین، اصل دعوت برای صدور پیام معنویت، آزادی و استقلال به ملل دیگر و دعوت از حکومت‌ها برای قرار گرفتن در مسیر صحیح، اصل عزت و سیادت دینی برای حفظ علو و برتری اسلام و جوامع اسلامی، و اصل وفای به عهد برای پایبندی به معاهدات بین‌المللی برای برقراری صلح و عدالت در عرصه بین‌المللی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.